



یک شعر مهدی با ترجمه! در خصوص چهارشنبه سوری

• مهدی نجاتی

شو چارشنبه سوری ولوله یه
سر هر کوچه مگی زلزله یه
شب چهارشنبه سوری ولوله است و انگار سر هر کوچه زلزله است
گله نفتیه که هی هوا مره
بعضی وقتا فتنه هم بیا مره
گلوله ی نفتی رو میندازن بالا، بعضی وقتا هم دعوا همیشه

میون هر کوچه آتیش و آلو
بچه ها به دور آتیشا ولو
وسط هر کوچه آتیشه و بچه ها دورش جمعن

خرمن بته ره آتیش مزین
آتیشا را پاشا پیش مزین
بوته ها رو آتیش مزین و باپاهاشون مرتب میکنن

مرن از او دور دور خیز مکنن
از روی آتیشا هی ورمیچی یین
دور خیز میکنن و از رو آتیش مییرن

مگن ای زردی مواز تو پشه
سرخ تو ای آتیش، از مو پشه
میگن زردی من از تو، سرخی تو از من

زنایم میون حولیا خوشن
بری آتیشا خود شماره موگوخن
زنها هم اون وسط خوشن و برای آتیش بازی خودشون رو میکشن!

دیره زنگوله دار دست پری
او میون مشغول رقصه، گل زری
پری دایره زنگی دستشه و گل زری اون وسط میرقصه

شور و شادی افتاده تو بچه ها
یکیشا مفته میون آتیشا
بچه ها شادن و یکی میفته تو آتیش

خشتکش الو گیر یفته پسره
همه ی کارا او شو، خنده دره
شلوارش آتیش گرفته، همه ی کارهای اون شب خنده داره

زنا با خوداشانیت مکنن
هر کدوم چیزی تو کوزه مندزن
زنا با خودشون نیت میکنن و هر کدوم یه چیزی تو کوزه میندازن

بعدش از توی کوزه در می برن
همه شم به فال نیکو مگیرن
بعد از توی کوزه در میارن و همه چیز رو به فال نیک مگیرن

تزه از فالگوشی که راحت مشن
چادر اشاره تو رو و اشا مکشن
تازه وقتی فالگوش ایستادن تموم شد، چادرهاشون رو توی صورتشون میکشن

که کسی نشنسناسا توی محل
مگیرن یک کیسه ای زیر بغل
تا شناخته نشن و یه کیسه زیر بغلشون مگیرن

یک ملاقه دستشا در خنه ها
به گدایی و به دنبال بچه ها
یه ملاقه مگیرن و با بچه ها در خونه ها به گدایی میرن

گاهیم مردی بری خوشمز گیش
تو چادر مره با یک عالمه ریش
گاهی هم یه مرد چادر سرش میکنه!

ماجرای شو چارشنبه سوری
از قدیم همیشه بوده ایجوری
از قدیم ماجرای شب چهارشنبه سوری اینجوری بوده

نوروز در تقویم تاریخ

• مریم عظیم زاده

افسانه ها در مورد پیدایش نوروز فراوان است که برخی از آن هادر شاهنامه ی فردوسی آمده اند: «پرواز جمشید در هوا، به دادخواهی نشستن او در نوروز، آغاز گشتن آسمان، تجدید دین، گشتن فلک ها و برج ها، جام جهان بین جمشید و...» ابوریحان بیرونی می نویسد: «نوروز نخستین روز ماه حمل (فروردین) می باشد که پیشانی سال نواست و در اعتقاد آریایی اول روزی است از زمانه و بدو فلک آغازید به گشتن.»

نویسنده ی کتاب نوروز نامه که در اواخر قرن پنجم هجری نوشته شده و ابوریحان بیرونی هر دو معتقدند که نظر آریایی های باستان صحیح بوده و سبب پیدایش نوروز آن است که پس از آفرینش آسمان ها و زمین و هر چه در آن هاست چندین هزار سال همه چیز در حال سکون و حرکت بود تا به فرمان اهورامزدا آغاز به حرکت کردند، حرکت خورشید در آن هنگام از بامداد نخستین روز ماه فروردین یا روز هر مزد بود که بعد از این حرکت کرده و بعد از ۱۴۶۰ سال به نقطه ی اول بازگشت که این روز را نخستین بار کیومرث دریافت و نوروز نام کرد. و جمشید نیز بعد از ۱۴۶۰ سال که از حکومت کیومرث گذشت دوباره آن را جشن گرفت.

تقویم جلالی و هم زمان بودن آن با نوروز باستانی

گاه شماری در ایران و سابقه ی آن به دوران قبل از هخامنشی می رسد که از جمله ی آن ها می توان به گاه شماری های هخامنشی کهن اوستایی، جدید اوستایی، یزدگردی کهن، سلوکی ها، اشکانیان، ساسانیان و پس از اسلام اشاره کرد.

اما تقویم مهم ایرانیان در عهد ملکشاه سلجوقی و توسط حکیم عمر خیام و جمعی از اختر شناسان برجسته تدوین شد.

بنا به نقل روایات حکیم عمر خیام با سرمایه ای هنگفت از سوی شاه مامور به خرید ادوات رصد شده و تقویم جلالی را تهیه کرده است. آغاز تقویم جلالی روز جمعه دهم رمضان ۴۷۱ هجری برابر ۱۵ مارس ۱۰۷۹ میلادی و اول فروردین ۴۵۸ هجری خورشیدی بوده است.

نوروز سلطانی روز اول فروردین بوده و سال مرکب از ۱۲ ماه و سی روز و پنج روز اضافه به دنبال ماه دوازدهم که در سال کیبسه به شش روز می رسد که به کیبسه ی رباعی معروف است.

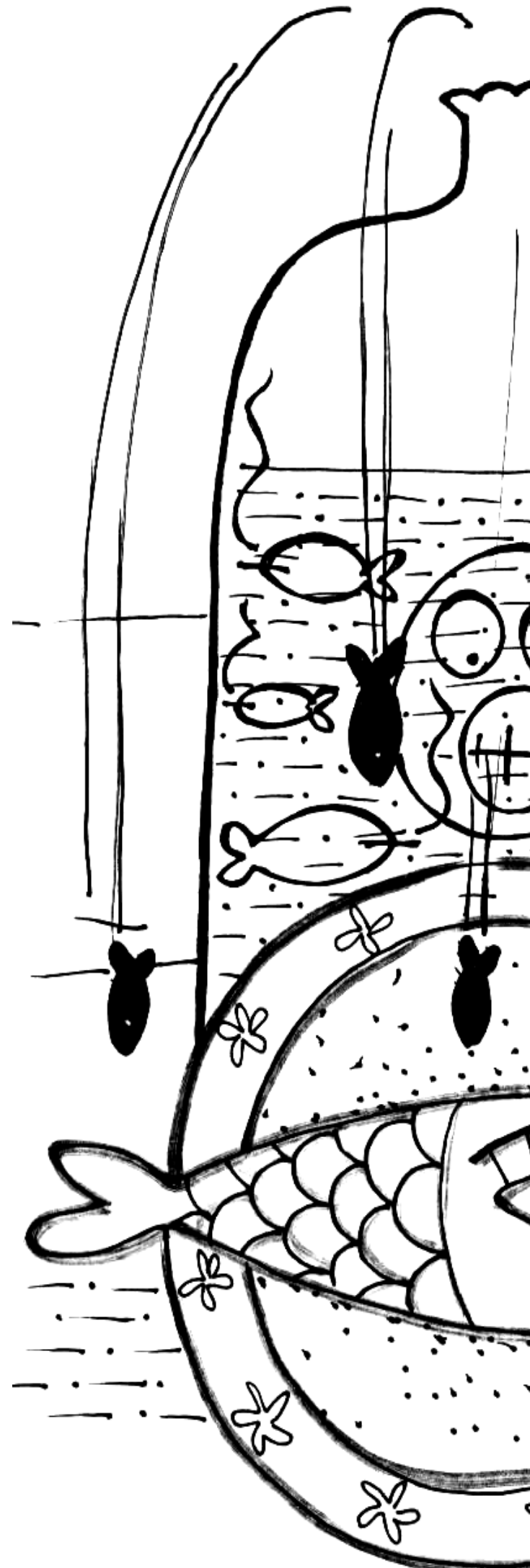
طبق محاسبات دقیق خیام و همکاران او سال ۳۶۵ شبانه روز و ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه و ۴۶ ثانیه بوده که از تقویم گریگوری که سال ها در اروپا مورد استفاده بود صحیح تر است و با محاسبات امروزه که تا عرقم اعشار وجود دارند کاملا مطابقت دارد.

داستان کتاب فارسی

• حمید رضا معصومی

آخر کتاب فارسی اول دبستان یه درسی بود که چهار فصل رو یاد می داد. هر فصلی یه رنگی بود. رنگ زمستون آبی کمرنگ بود و رنگ بهار، سبز. اون زمان فکر می کردم تا نوروز بشه یه جایی یهو همه چی از آبی کمرنگ به سبز تبدیل می شه. خب اشتباه بود. ولی همچین ذهنیت بدی هم نبود انگار.

رویکرد پدران مادر (اینکه پدران رو کنار مادر آوردیم بهش می گن ایهام و از طرفی مراعات نظیر!)، رویکرد پدران مادر مورد بهار جای تقدیر داره. این که از یه فرایند تدریجی و رویتین طبیعت برای خودشون و ملت شون یه اتفاق ساختند و از این اتفاق انتزاعی لذت می بردند. ما هم که همیشه نشون دادیم فرزندان خلقی بوده و هستیم، می تونیم همین اتفاق رو در حق خودمون جاری کنیم. خیلی از روابط سرد شده ی ما، حاصل یه فرایند طبیعی رفتاریه. به بهونه ی نوروز بیایم اون هایی رو که آبی کم رنگ رویه سبز شون کنیم. خوندن کتاب فارسی اول دبستان بعضی وقتا به شدت توصیه می شه دوستان شریفی عزیز!



• طرح از الهام عطایی آذر - روزنامه ی شریف